

راهنمایی‌هایی برای نواختن پیانو

از «آندور فولدز»



درباره خواندن و گوش فرادادن

اولین گام در راه یاد گرفتن يك قطعه موسیقی جدید ، هر قطعه‌ای که باشد ، نت خوانی دقیق آن است . بنا بر این باید برای اولین مرتبه‌ای که يك اثر ، نت خوانی میشود اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل شد . غالباً سرنوشت يك قطعه موسیقی تا آنجائیکه نوازنده در آن دخیل است بستگی به اولین برخورد چشم وی با تصویر نت‌های چاپ شده دارد .

هر نوازنده پیانو بالاخره به این حقیقت پی خواهد برد که تاچه اندازه ترك عادت بد مشکل‌تر از صحیح آموختن است . ما باید از ارتکاب اشتباهات كوچك بر حذر باشیم و اگر بلافاصله درصدد رفع آنها بر نیائیم این سهوهای ناچیز بصورت عادات بد در خواهند آمد .

نت خواندن و درعین حال نواختن يك قطعه جدید یعنی انجام این دو کار

در يك زمان چنان مشکلاتی بیارمی آورد و چنان فعالیت فوق طاقتی می خواهد که تقریباً وقوع اشتباه را غیر قابل اجتناب می سازد . برای رفع این مشکل به هنرجو توصیه کامل میشود قبل از آنکه بخواهد قطعه جدیدی را روی پیانو تمرین کند آنرا بدون کمک گرفتن از ساز خود نت خوانی و مطالعه نماید . در اینصورت اومی تواند بدون اینکه نکات عملی مانع انجام کار او شود با وضوح کامل آهنگ قطعه ای را که در دست خواندن دارد در نظرش مجسم سازد . حداقل پس از دو مرتبه نت خوانی و مطالعه يك اثر ، هنرجو می تواند آنرا روی پیانو تمرین نماید .

خواندن دقیق يك قطعه تنها به فرا گرفتن نت های آن برای نواختن محدود نمیشود بلکه دقت و توجه بسیار به وزن ، قدرت و میزان بندی اثر در خور اهمیت میباشد .

برای نمونه اگر در نواختن اولین میزان سنات « پاتتیک » از بتهوون « نوانس » آن (Fp) که مشخص کننده نوع کار بتهوون است رعایت نشده و به حالت موسیقی توجهی نشود ، یکی از مشهورترین آثار پیانوی این آهنگساز به قطعه ای نامعلوم و غیر قابل تعریف تبدیل گشته است . مثال :

شروع سنات « پاتتیک » از بتهوون



قطعه ای در دو مینور



همچنین اگر قسمت دوم سنات مزبور طبق دستور مصنف بسا حداکثر ممکن « لکاتو » نواخته نشود ما نمی‌توانیم بهنگام شنیدن آن اثر را درست باز شناسیم .

تبدیل کردن « وزن » اثری از « آداژیو کانتابیله » به « آدانته » باعث از بین رفتن شخصیت اصلی قطعه خواهد شد . اگر بخواهیم يك اثر را طوری خوب اجرا کنیم که مصنف آن خواسته و آرزو کرده ، باید به هر نشانه و علامتی که وی در اثرش ضروری و درست تشخیص داده و بجا گذارده است نهایت دقت و توجه را مبذول داریم .

اولین باری که يك اثر جدید نت خوانی می‌شود موقعیتی پیش می‌آورد تا نوازنده بتواند آنطوریکه باید مقصود آهنگساز را دریابد .

درب پیانو را به قصد نواختن وقتی باید باز نمود که شخص مطمئن باشد همه نکات را با دقت مورد توجه قرار داده است .

در گذشته گفتم « نت خواندن » اولین قدم در راه خوب نواختن پیانو است و اکنون باید اضافه کنم که « گوش فرادادن » به نواختن خود و یا دیگران نیز برای هر نوازنده جوان یکی از اصول و ارکان نوازندگی بشمار می‌رود .

بسیاری از هنرجویان برای فرا گرفتن قسمت‌های مشکل يك اثر ساعت‌های متمادی روی سازشان بتمرین می‌پردازند و این تلاش‌ها و کوشش‌ها اغلب جز حرکت انگشتان بروی پیانو متمرکز نمی‌شوند . بدین ترتیب کار و تمرین کردن پشت پیانو جز صرف وقت نتیجه‌ای نمیدهد مگر اینکه نوازندگان جوان این استعداد را در خود پرورش داده باشند که بتوانند از روی وجدان و بصورتی درست به قطعه‌ای گوش فرادهند . البته به نواختن خود گوش فرادادن کار آسانی نیست . اصولاً برای نواختن قدرت لازم است و بخصوص که برای نواختن و در عین حال شنیدن باید کاملاً تمرکز حواس داشت . از طرف دیگر برای گوش فرادادن چنان قدرتی مصرف میشود که در همان حال صحیح نواختن را دچار اشکال می‌کند . تمرکز حواس در گوش دادن به نواختن دیگران شخص را در راه هنر استماع موسیقی بیشتر پیشرفت می‌دهد تا فقط گوش دادن به نواختن

خود . شخص موقمی قادر به نواختن و در عین حال شنیدن خواهد بود که استماع به نواختن دیگران را فرا گرفته باشد .

يك قطعه موسیقی را به منظورهای مختلف می توان شنید . بعضی ها فقط بخاطر خوشی و تفریح تحت تأثیر نوا و حرکت موسیقی قرار می گیرند و مسحور آن می شوند بدون آنکه بخواهند راجع به تکنیک و تغییرات فرم و غیره از آن چیزی بدانند . طبیعتاً نوازندگان جدی پیانو نباید در گوش دادن به موسیقی به این میزان اکتفا نمایند بلکه باید بیاموزند که با دقت کامل به تغییرات تکنیکی و «نوانس» هائی که در طی اجرا پیش می آید بنگرند تا بعداً در صورت دلخواه بتوانند از آموخته هایشان استفاده برند .

اگر گوش دادن به موسیقی جنبه مطالعه و تجسس داشته باشد استماع آن بوسیله فرستنده رادیو و دستگاه صفحه به شنیدن آن در تالارهای کنسرت ترجیح دارد و بدین ترتیب از توجه و دقت ما در اثر برخورد های عینی که در تالارهای کنسرت با آن مواجه هستیم چیزی کاسته نخواهد شد .

ما می توانیم با نشستن روی يك صندلی راحت و در دست داشتن کتاب نت ، دور از همه چیز با تمرکز حواس به موسیقی گوش دهیم و رشته فکر آهنگساز را با شنیدن اجرای اثرش دنبال کنیم . استفاده از صفحات موسیقی بخصوص برای هنرمندان جوان بقدری نافع و ضروری می باشد که هر چه در این راه توصیه شود باز کم است . هنرجو اگر بتواند در صورت امکان به بهترین اجرای اثر مورد نظرش گوش دهد و سپس آنرا با ضبط اجرای خود که در مؤسسات خصوصی امکان پذیر است مقایسه و تطبیق کند از این راه استفاده سرشاری نموده است .

بر هر نوازنده جدی پیانو واجب است که در صورت امکان به اجراهای مختلف اثری که در دست تمرین دارد گوش دهد و بدین ترتیب چه موافق و چه مخالف طرق مختلف اجرا بالاخره توانسته است اجراهای دیگری را از اثری که خود می نوازد بشنود .

گوش دادن به اجرای اثری مورد نظر توسط دیگری درسبک نوازندگی و وزن و حالت دادن به قطعه تأثیر ثمر بخشی داشته و حائز اهمیت بسیار است .

سبك نوازندگی يك پيانست تنها با کار و تمرین بسیار در منزل نمی تواند
پختگی و رشد پیدا کند مگر اینکه در راه به کمال رساندن آن از نکات مثبت و
خوب اجراهای دیگران استفاده شود .

ما درجهانی از مقایسه و تطبیق زندگی می کنیم که در آن نه فقط موسیقی
بلکه اصولا در موارد مختلف و روی هر عملی بوسیله مقایسه می توان قضاوت
کرد . بالاخره شخص نمی تواند تنها به گوش دادن نواختن خود و یا مربی
خود اکتفا نماید . مربی خوب پیانو باید شاگردانش را تا آنجائیکه ممکن
است به استماع هر چه بیشتر موسیقی تشویق و ترغیب نماید . من میخواهم پا
فرا تر نهاده و ادعا کنم که حتی شنیدن موسیقی در سطح پائین شاید بهتر از اصلا
نشیدن آن باشد .

بدون حلاجی کردن انواع مختلف موسیقی بوسیله گوش دادن به آن ،
سلیقه موسیقی نه رشد می یابد و نه ظرافت پیدا می کند .

نوازنده جوان که سناتی از «موزار» در دست تمرین دارد اگر بتواند
به یکی از اجراهای خوب آهنگساز مزبور گوش دهد ، صرف نظر از اینکه این
اجرا مربوط به يك اپرا یا سنات ، موسیقی مجلسی یا سنفونی باشد ، در
نواختن قطعه پیشرفت بیشتری خواهد کرد . وی اگر به آثاری غیر از «موزار»
نیز در پیانو گوش فرادهد گامی جلوتر نهاده و در نتیجه تحولی در پیشرفتش
حاصل خواهد شد . اگر ما با در دست داشتن نت به موسیقی گوش فرادهیم ،
جزئیات را بخاطر بسپریم و در ضمن رشته اصلی را از دست ندهیم به مقصود
خود نزدیکتر شده ایم .

بسیار مهیج خواهد بود اگر ما در خالیکه روی صندلی نشسته ایم بتوانیم
با خواندن نت اصوات حاصل از آنرا در خیال خود بشنویم . گوش درونی ما
وقتی بکار می افتد که بتوانیم موسیقی را دور از ساز خود در خیال بشنویم و این
امر خود باعث برانگیختن تخیل خواهد شد . پیا نیست هائی که تا بحال این
آزمایش را انجام نداده اند ممکن است برای اولین مرتبه آنرا تقریباً مشکل
بیا بند ، ولی در این راه باید پایداری نمایند . این افراد اگر بتوانند تحمل
کنند يك قطعه آسان از بتهوون یا شومان را بدون کمک گرفتن از ساز کاملاً

بخوانند و اثر تمام جزئیات را اعم از وزن و حالت و نشانه و علامات را که در نت ثبت شده است در گوش بشنوند ، از خیلی جهات استفاده سرشاری نموده اند . باید خود را برای شنیدن آماده کنیم و بدین طریق بر ارزش شنیدن بیفزائیم . برای نمونه اگر بخواهیم به یک سنات از تهوون ، موزار یا هایدن گوش دهیم ، قبل از هر چیز باید شکل ظاهر قطعه را تشریح و تحلیل نمائیم . اگر قبل از شنیدن اجرا پی برده باشیم که تم اصلی و تم فرعی و بالاخره تم آخر در کجا خواهند بود و در کجای اثر « بسط » آغاز میگردد و تکرارهای بعدی چه موقع پیش خواهند آمد ، از شنیدن اجرای نوازنده بیشتر استفاده کرده ایم . همچنین بد نیست که بوسیله « مترونوم » پی ببریم که آیا « وزن » مورد نظر آهنگساز مراعات شده یا خیر ؟

بوسیله تمرین چنان پیشرفتی می توان حاصل نمود که حتی پس از اولین بار نت خوانی یک قطعه بکمک غریزه بتوان دقیقاً سرعت اجرای آنرا احساس کرد .

بوسیله کنسره های رادیو فقط یکبار می توان اثری را شنید و تکرار آن قطعه به منظور پی بردن به جزئیات غیر ممکن می باشد به همین دلیل اگر شنیدن یک اثر به قصد مطالعه و کاوش باشد باید صفحه را ترجیح داد .

شخص باید گوش و حافظه خود را طوری تربیت کند که پس از چندبار شنیدن یک قطعه قادر به درک تمام جزئیات آن جمله در یکبار باشد . اگر شخص با در دست داشتن نت یک اثر به اجرای آن گوش فر دهد باید در آخر از خود بپرسد که آیا نوازنده تمام نتها را درست اجرا نمود ؟ ریتمی که بکار برد درست بود ؟ آیا علامات و اشارات را با دقت بکار برد ؟ ملودی مشخص بود یا اینکه بوسیله همراهی و صداهای دیگر پوشیده و نامعلوم ماند ؟ ریتم ثابت بود یا در حین نواختن تغییر می کرد ؟ آیا نوازنده توانست مقصود اصلی آهنگساز را دریابد و در اجرا آنرا بنمایاند ؟ آیا میبایستی که این قطعه را چنین اجرا کرد ؟

حتی در موقعیکه اجرای یک اثر بیش از حد قدرت تشخیص شنونده باشد

معذالك بايد در گوش فرادادن به آن نحوه انتقاد را حفظ نمود . شخص زمانى مى تواند در طرز نوازندگى خودش اظهار نظر و قضاوت كند كه هميشه چشم و گوش باز داشته باشد . خوب نواختن بيانو بدون اينكه خود شخص قدرت انتقاد صحيح را داشته باشد غير قابل تصورا است و وقتى مى توان به داشتن گوش دقيق در راه انتقاد شخصى موفق شد كه هميشه به نواختن خوب ديگران گوش داده باشيم . البته پس از يكبار شنيدن قطعه اى نمى توان بتمام سئوالات درباره نحوه اجراى اثر رضايتميز پاسخ داد . اما در اثر تكرر و تمرين موقعى فرامى رسد كه شخص بتواند بالاخره با يكبار شنيدن متوجه تمام نكات بشود . با رسيدن به اين هدف مى توان قدم بعدى را كه « نواختن و شنيدن » در يك زمان باشد برداشت .

(پايان فصل دوم)

ترجمه دكتور سعيد خديري



ژوئيشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
ريال جامع علوم انساني